نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۷۹

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

باید برای تراژدی ورزش بوشهر، سال‌ها گریست

خرید ۲ هزار میلیارد تومانی تیم تهرانی توسط پتروشیمی‌های جنوب

آلودگی پتروشیمی‌ها برای استانِ ندار، درآمدش برای پایتخت دارا !

ماجرای لغو کنسرت‌ها در بوشهر چیست؟

مسئولان بوشهر در برابر اجرای کنسرت موسیقی، مقاومت می‌کنند!



تبعیض و بی عدالتی نفت و گاز به ورزش و فوتبال بوشهر

برگزاری پانزدهمین دوره بهار تنگستان



پانزدهمین سالانه بهار تنگستان با عنوان "مجلس ایرانشهر" با حضور میهمانان خارجی و داخلی در روستای گاهی تنگستان برگزار شد. به گزارش خلیج فارس؛ این همایش به سفارش شادروان غلامعلی خلیلی از بزرگان روستای گاهی تنگستان با محوریت نکوداشت شعر پارسی در ایام نوروز سالیان اخیر برگزار می‌شد، اما امسال موضوع آن به ایرانشهر و کشورهایی که زبان پارسی در آن جریان دارد اختصاص داشت که با استقبال مواجه شد. علاوه بر سخنرانی میهمانان ایرانی این برنامه (علیرضا قیامتی دکتر یامان حکمت و احمد شعار)، سفیر کشورهای تاجیکستان و ازبکستان نیز در این همایش حضور یافته و پیرامون اشتراکات زبان فارسی سخن گفتند.

همچنین شیرین خلیلی نوه شادروان غلامعلی خلیلی بنیانگذار این برنامه هم در سخنانی از علاقه پدر بزرگش به ادبیات فارسی و سفارش وی جهت برپایی برنامه هایی برای نکوداشت این زبان سخن گفت. در حاشیه این همایش، غرفه نمایشگاه عکس تنگستان، صنایع دستی دریایی و کتاب های تاریخ بوشهر برپا شد.



در همین رابطه عبدالرحمن برزگر دبیر این همایش گفت: تنوع در آئین ها و سنت های نیاکان، ما را بر آن داشت که نخست، اشتراکات فرهنگی را در شعر پارسی که جلوه گاهی از ماهیت یکپارچگی ایران بزرگ است را دست مایه اصلی مجلس ایرانشهر قرار دهیم، از این روی با دعوت از ادیبان و فردوسی پژوهان کشورهای پاکستان، افغانستان و ایران و همچنین سفیر و رایزنان فرهنگی کشورهای ازبکستان و تاجیکستان مجلسی برای هم آوآیی و هم پایگی ایران در مرزهای سیاسی و فرهنگی برگزار نمائیم.



وی افزود شهرستان تنگستان با ۱۰۳ روستا و ۳ شهر نیازمند داشتن «مرکز پایش و مطالعات روستایی» است تا بتواند تاریخ گذشته و افق پیش روی را مطالعه و مستند کند، البته تاسیس «بنیاد تنگستان شناسی» از مطالبات جدی مورخین و فرهیختگان این شهرستان است.

عبدالرحمن برزگر با اشاره به بخش های جنبی این همایش افزود امسال طرحی نو در انداختیم و از هنرمندان خوشنویس، نویسنده و عکاس شهرستان تنگستان با بر پایی غرفه کتابت سروده‌های فردوسی، برپایی نمایشگاه آثار نویسندگان و برگزاری اردو و نمایشگاه عکس بهره بردیم.

برزگر خاطر نشان کرد که خانواده بزرگ زنده یاد غلامعلی خلیلی توانسته‌اند در روستای گاهی از توابع شهرستان تنگستان، طی پانزده سال با برگزاری نشست‌های مختلف ادبی چراغ فروزنده فرهنگ و هنر این مرز و بوم را فروزان تر نمایند، از این روی جا دارد از آقای خضر خلیلی به نمایندگی خانواده و مردم دوست داشتنی دهستان بوالخیر صمیمانه تشکر نمایم. آری می توانیم مجلس ایرانشهر را در جای جای استان‌مان برگزار نمائیم.

ماجرای لغو کنسرت‌ها در بوشهر چیست؟

مسئولان بوشهر در برابر اجرای کنسرت موسیقی، مقاومت می‌کنند!

با لغو اختتامیه فستیوال «کوچه» در اواخر سال ۱۴۰۲، لغو کنسرت آرمان گرشاسبی در فروردین امسال و صادر نشدن مجوز کنسرت معین زندی از سوی ارشاد بوشهر، برگزاری کنسرت در این استان به محل بحث در فضای مجازی تبدیل شده است؛ هرچند مدیر اداره ارشاد بوشهر تاکید می‌کند برگزاری کنسرت در بوشهر مانعی ندارد.

به گزارش ایسنا، اواخر سال گذشته (۱۴۰۲)، برگزاری فستیوال «کوچه» در استان بوشهر با حواشی زیادی همراه بود؛ اختتامیه این فستیوال مردمی لغو شد و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم قول پیگیری موضوع را داد و هم دستور پیگیری صادر کرد. این اتفاق چند وقت بعد از ماجرای پرحاشیه لغو کنسرت علیرضا قربانی بود که با پیگیری محمدمهدی اسماعیلی و تاکید دولتمردان بر اجرای قانون و احترام گذاشتن به مجوزهای رسمی در کشور، در نهایت ختم به خیر شد.

با این مقدمه‌ها و البته تاکید دولت انتظار می‌رفت، برخوردهای سلیقه‌ای با برگزاری کنسرت در استان‌های مختلف متوقف شود اما درست در نخستین ماه سال ۱۴۰۳ کنسرت‌های آرمان گرشاسبی در ۳۰ و ۳۱ فروردین و کنسرت معین زد در ۵ تا ۷ اردیبهشت در استان بوشهر هم مجوز نگرفت؛ شبیه همان اتفاقی که برای اختتامیه فستیوال «کوچه» افتاده بود! اما طبق پیگیری خبرنگار ایسنا مشخص شد که کنسرت آرمان گرشاسبی مجوزهای لازم را دریافت کرده و در مرحله بلیت‌فروشی بوده است. با این حال بدون ارائه دلیل قانع‌کننده به تهیه‌کننده، بلیت‌فروشی و برگزاری کنسرت لغو شده است.پس از لغو اجرای آرمان گرشاسبی، خبر لغو کنسرت اردیبهشت‌ماه معین زندی «معین زد» نیز در پی صادر نشدن مجوز نهایی ارشاد برای برگزاری کنسرت اعلام شد.



کنسرت گرشاسبی لغو شد؛ معین زد مجوز نگرفت

در همین راستا و بحث‌هایی که در فضای مجازی به ویژه شبکه ایکس (توییتر) شکل گرفته، خبرنگار ایسنا در تماسی با عبدالرحیم افروغ (مدیرکل ارشاد استان بوشهر) علت لغو کنسرت‌های آرمان گرشاسبی و «معین زد» در بوشهر را جویا شد.

او به ایسنا درباره لغو کنسرت گرشاسبی گفت: «کنسرت آرمان گرشاسبی مجوزهای لازم را دریافت کرده بود، منتهی لغو آن به علت ماجرایی بود که بین اداره اماکن و موسسه آوای هنر (شرکت کنسرت‌گزار) پیش آمده بود؛ البته این مشکل سوءتفاهمی بیش نبود و با صحبت حل شد. در ارشاد مشکلی برای برگزاری کنسرت نداشتیم ولی فضا در مجموعه‌های نظارتی به سمتی پیش رفت که مجوز کنسرت آقای گرشاسبی لغو شد. پس از حل مشکل چون از زمان برگزاری گذشته بود، دیگر کنسرتی برگزار نشد اما برای برگزاری کنسرت آقای گرشاسبی در آینده مشکلی نداریم.»

او همچنین درباره کنسرت «معین زد» که قرار بود ۵ تا ۷ اردیبهشت در اردیبهشت برگزار شود، توضیح داد: «چون لغو کنسرت آرمان گرشاسبی حاشیه‌ساز شده بود، برای کنسرت آقای معین زندی مجوزی صادر نکردیم که بخواهد، لغو شود. برگزارکنندگان کنسرت این خواننده در سامانه درخواستی برای برگزاری داده بودند که چون صدور مجوزهای لازم به تأخیر خورد، در نهایت کنسرت این خواننده به بعدا موکول شد. حتی موسسه «آوای هنر» نیز در فضای مجازی خبر لغو این کنسرت را اعلام کرد و در بوشهر لغو جدیدی نداشتیم. در حال حاضر قرار است جشنواره موسیقی خلیج فارس را با توجه به فرا رسیدن روز خلیج فارس داشته باشیم و پس از برگزاری آن کلیه درخواست‌های برگزاری کنسرت را بررسی می‌کنیم و مجوز خواهیم داد. به طور کلی مشکلی برای برگزاری کنسرت در استان نداریم.»

از افروغ سوال کردیم که اگر امکان برگزاری جشنواره موسیقی خلیج فارس در بوشهر وجود دارد، پس چرا اختتامیه جشنواره «کوچه» لغو شد؟ پاسخ داد: «سایر جشنواره‌ها نیز مجاز به برگزاری هستند. اختتامیه فستوال «کوچه» را نیز خود مجری روی صحنه نبرد و من به عنوان نماینده ارشاد نامه‌ای برای لغو صادر نکرده بودم.»

و اما پس از تماسی که با افروغ داشتیم، با علی جعفری (مدیر اجرایی آوای هنر و مدیر برنامه معین زندی) تماس گرفتیم تا این ماجرا را به روایت او نیز بشنویم؛

او به ایسنا گفت: «روال برگزاری کنسرت این است که پس از موافقت ارشاد با مراحل اولیه، درخواست برگزاری کنسرت برای اداره اماکن ارسال می‌شود. وقتی هم که درخواست برگزاری کنسرت به اماکن ارسال می‌شود، تهیه‌کننده تمام کارهای خود را از رزو سالن و هتل تا تهیه بلیت انجام می‌دهد. حالا ما نیز همین مراحل را از موافقت اولیه ارشاد تا صدور درخواست به اماکن را طی کرده بودیم که گویا اداره اماکن گفته بود برگزاری این کنسرت فعلا به مصلحت نیست؛ البته مجوز نهایی وزارت ارشاد را دریافت نکرده بودیم.»

در نهایت باید دید همانطور که مدیرکل فرهنگی استان بوشهر می‌گوید، آیا روند برگزاری کنسرت‌ها در این استان به روال عادی خود باز می گردد؟

مسئولان بوشهر مقاومت می‌کنند!

پس از نگارش این گزارش، محمود سالاری معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری آنا، به نوعی حواشی پیش آمده در بوشهر را تایید کرد و گفت: فصل الخطاب همه این اتفاقات همین مصوبه ابلاغ شده از سوی سرتیپ سید مجید میراحمدی معاون سیاسی امنیتی وزارت کشور به همه استان‌ها است که همه موظف هستند آن را اجرا کنند، ما هم پیگیر هستیم تا همان ابلاغیه عملیاتی شود که اگر این اتفاق رخ دهد، مجوزهای وزارت فرهنگ و ارشاد هم طبق مصوبه و ابلاغیه همه استان‌ها می‌بایست اجرا شود.

وی تاکید کرده است که «در حال حاضر مقاومت‌ها و مشکلاتی در برخی شهرها و استان‌ها، چون بوشهر پیش آمده، اما ما می‌خواهیم به سمتی حرکت کنیم که شرایط پایدار و منسجمی را هم در حوزه معاونت‌های سیاسی امنیتی استان‌ها و هم معاونت هنری و اداره کل ارشاد استان‌ها شاهد باشیم، این اتفاق به تدریج به یک همدلی خواهد رسید.»

موافقت با راه اندازی دانشکده انرژی هسته‌ای در بوشهر

استاندار بوشهر گفت: با موافقت معاون رییس جمهور و رییس سازمان انرژی اتمی دانشکده انرژی هسته‌ای در دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر راه‌اندازی می‌شود.

به گزارش ایرنا ، احمد محمدی‌زاده در نخستین کنفرانس دوسالانه بین‌المللی هوش مصنوعی و علوم داده در دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر اظهار کرد: در راستای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار نیروگاه اتمی با مشارکت سازمان انرژی اتمی ۲ هنرستان در حوزه فناوری هسته‌ای در بوشهر ایجاد می‌شود.هم اینک یک هنرستان هسته ای در حال اجرا است و طراحی واحد آموزشی دیگر نیز در هنرستان حاج جاسم بوشهر برنامه‌ریزی شده است.

استاندار بوشهر با قدردانی از همراهی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در تامین نیازمندی‌های استان بوشهر تصریح کرد: آغاز ساخت آب‌شیرین کن به ظرفیت ۷۰ هزار مترمکعب در جوار نیروگاه اتمی بوشهر با تاکید مهندس اسلامی اجرایی شد و اکنون روند ساخت آن سرعت گرفته است. وی با بیان اینکه آب‌شیرین کن یادشده ظرفیت ۱۵۰ هزار مترمکعب توسعه داد یادآور شد: علاوه بر این، ساخت ۲ نیروگاه اتمی دیگر هر کدام به ظرفیت یک‌هزار و ۷۵ مگاوات در جوار نیروگاه فعلی اتمی بوشهر در ساخت است که با تکمیل و بهره‌برداری از آن تولید برق هسته‌ای به بیش از ۳ هزار مگاوات افزایش می‌یابد.

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر:

بی توجهی هولدینگ خلیج فارس به ورزش استان بوشهر، ناسپاسی به میزبان است

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر در جمع خبرنگاران اظهار داشت: بزرگترین صنایع نفتی و گازی در استان بوشهر استقرار دارند و رتبه اول درآمد سرانه در کشور را دارا است اما متأسفانه ورزش و فوتبال استان مورد بی مهری واقع شده است. یاسر جمالی با بیان اینکه علی رغم نگاه ورزشی مدیرعامل منطقه ویژه پارس، ورزش استان همچنان از حق واقعی خود از این ثروت محروم است، گفت: مردم استان بوشهر میزبان شایسته‌ای برای شرکت‌های نفتی هستند اگر صنایع مستقر بنا بر حمایت از ورزش و تیم‌های فوتبالی دارند باید ابتدا از میزبانان خود حمایت کنند.

هدف و معنای زندگی

عبدالخالق ماجدی



دوست عزیزی چند روز پیش در اینستاگرام سوالی درباره معنا و هدف زندگی را به صورت چهار گزینه‌ای، مطرح کرده بود. گزینه‌ها به صورت ترکیبی از معناداری/بی‌معنایی و هدف‌داری/بی‌هدفی زندگی بود. برای رامین توضیح دادم که برای من زندگی معنی دارد و در این زندگی، من هدف دارم: زندگی من، اهداف من. این سوژگی من است که به این زندگی معنی و هدف می دهد و برای دیگری ممکن است به هرشکل دیگری باشد. معنا و هدف در زندگی اساسا یک بحث متافیزیکی است و برای طرح آن در یک تراز فلسفی باید مراقب اتصال آن با فیزیک و دَر و دیوار مشترک بود و مرز مشترک فیزیک و متافیزیک چیزی نیست به جز من.

دیروز پس از وداع فیزیکی با دوست یگانه‌ام، عکسی از گوشه باقیمانده خانه اجدادی تخریب‌شده در محله قدیمی‌مان گرفتم. گوشه اتاق پذیرایی ما بود. تصویر و فیزیکی که در عکس هست برای هر ناآشنایی بی‌معنی می‌باشد ولی برای ساکنین‌اش موضوع متفاوت است. اتاق پذیرایی جایی بود که من در تمام شب‌های فصل امتحانات باید از ساعت دوازده شب تا پنج صبح در آنجا درس می‌خواندم. ما فقط یک چراغ علاءالدین نفتی داشتیم و یا می‌بایست کنار من می‌بود و یا در اتاقی که همگی اعضای خانواده می‌خوابیدند. آنها تصمیم گرفته بودند که علاءالدین پیش من باشد تا بتوانم بهتر درس بخوانم و سردم نشود و این همان نقطه‌ای کانونی است که متن حول آن معنا پیدا می‌کند. روی دیوار جنوبی اتاق یک مثلث گچی وجود داشت که من شاید هزاران بار روی آن خیره شده بودم و اهداف زندگی‌ام را تخیل می‌کردم. هر شب تصویری از آینده را در آن قاب گچی ترسیم می‌کردم.

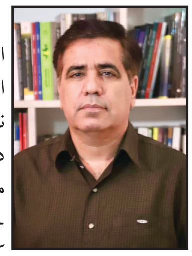
پشت همین دیوار، مرغدانی ننه‌ی عباس قائدی همسایه جنوبی بود. به دقیقی تایم پروازی هواپیمای قطرایرویز هر صبح ساعت پنج به مرغ و خروس‌ها دانه می‌داد. صدای مرغ و خروس‌ها که بلند می‌شد یعنی ننه‌ی عباس وارد شده بود و ساعت اتمام درس خواندن من بود.

زنجیره‌ای بین ما و اهداف و معنای زندگی وجود داشت که سه گوشه مثلث بودند. مثلث برعکسی بود: گوشه پایینی ما؛ شامل من و خانواده و ننه‌ی عباس و خانواده‌اش و مرغ و خروس‌ها بودیم و دو گوشه متعالی بالایی اهداف و معانی‌ای بودند که از دستیابی یا ناکامی رسیدن به اهداف، متجلی و برساخته می‌شدند. چرخه‌ای بین سه گوشه مثلث وجود داشت.

این فقط یک گوشه‌ای از خانه بود. در تمام اضلاع و دیوارهای مشترک دیگر خانه، هزاران داستان با ننه‌ی محمد برزگر، بی بی خدیجه ننه‌ی سید نجف مهیمنی، ننه‌ی سیدباقر مهیمنی و خانی؛ ننه‌ی مرتضی بهرامی وجود داشت. روی همین دیوارهای مشترک تاریخی است که جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه بهم می‌رسند. زندگی یک لباس کلی و یک شکل و یک رنگ نیست که بخواهیم آن را تبیین و توصیف کنیم. زندگی برای من یک سوژگی کیرکگوری دارد که ذیل یک ابژه/کُل قابل تبیین و توصیف نیست

۴ نکته برای رابطه پایدار والدین با فرزندان نوجوان

دکتر یونس قیصی‌زاده



۱- علاقه نشان دهید: اساس هر رابطه‌ای علاقه است. مهم است که به فرزند نوجوان، نشانه‌های علاقه داشتن را نشان دهید. به عنوان مثال می‌توانید به فرزندان خود بگویید: «من به آن‌چه که شما انجام می‌دهید، فکر می‌کنید و احساس می‌کنید، علاقه‌مند هستم و مایل هستم در موردش بیشتر بدانم.»

بیان و داستان آن‌چه فرزندان درباره رفتار و افکار و احساسات خودشان می‌گویند، خیلی مهم است، زیرا از طریق این داستان‌ها و حرف‌ها، ما را به دنیای خود، افکار و احساسات خود می‌برند. اساس درک والدین از فرزندان خود، درگیر شدن در دنیای آن‌هاست، زیرا دنیای آن‌ها با دنیای بزرگسالان متفاوت است و والدین ممکن است درک درستی از آن نداشته باشند.

والدین با پرسیدن سوالات درباره رفتار و افکار و احساسات فرزندان خود، می‌توانند نشان دهند که به فرزند خود اهمیت می‌دهند و به او نشان دهند که برای آن‌ها مهم است.

در برخی از مواقع والدین می‌توانند از افکار و رفتار فرزندان خود که نمی‌پسندند، انتقاد کنند اما برای این‌که فرزندان اعتماد به نفس پیدا کنند، انتقاد باید با دقت انجام شود، زیرا اعتماد به نفس زمانی ایجاد می‌شود که آن‌ها متوجه شوند که به آن‌چه می‌گویند و می‌کنند، والدین با احترام برخورد می‌کنند و افکار و رفتار و احساسات آن‌ها را نادیده و یا به تمسخر نمی‌گیرند.

در اغلب مواقع، نوجوانان دوست ندارند تا افکار و احساسات خودشان را با والدین مطرح کنند، در این مواقع هم باز والدین می‌توانند با دقت در اعمال و رفتار فرزندان خود، همچنان زمینه نشانه علاقمند بودن به اعمال و افکارشان را فراهم کنند و سر صحبت را با آن‌ها بگشایند و درهای ارتباط با فرزندان را باز نگه دارند.

۲.برای یکدیگر وقت بگذارید: روابط بین والدین با فرزندان نوجوان، اگر موقتی باشد، نمی‌تواند رشد کند و ادامه داشته باشد. ارتباط صمیمانه و همیشگی، زمان و اعتماد می‌خواهد.

والدین می‌توانند برای ارتباط بهتر با فرزندان خود، زمان‌هایی را اختصاص دهند، مانند وعده‌های غذایی مشترک، پیاده‌روی مشترک، دیدن برنامه مورد علاقه فرزندان، شرکت در برنامه‌های مورد علاقه آن‌ها و... این‌ها فرصت را برای احساس با هم بودن و گفتگو با یکدیگر فراهم می‌کنند.

فعالیت‌های مشترک (چه به عنوان یک خانواده و یا با تک تک فرزندان) همچنین امکان تجربه‌های جدید، آشنایی بیشتر با یکدیگر و تجربه‌ای را فراهم می‌کند که رابطه اصلی همچنان حفظ شده و علیرغم احساسات و خُلقیات مختلف، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. بنابراین مهم است که همیشه به دنبال فرصت‌هایی باشید که امکان گفتگو را فراهم می‌کند.

۳.ابراز محبت کنید: فرزندان همیشه نیاز به احساس دوست داشته شدن توسط والدین دارند. البته گفتن این موضوع به آن‌ها، کافی نیست بلکه آن‌ها باید این دوست داشته شدن را احساس کنند و در رفتار و اعمال والدین آن‌را مشاهده کنند.

نشان دادن دوست داشتن فرزندان در سنین کودکی راحت هست، والدین زمانی که فرزند کودک‌شان استرس دارد یا ناخوش هست، آن‌ها را در آغوش می‌گیرند و می‌بوسند، اما با رشد فرزندان، اوضاع تغییر می‌کند و بروز نشانه‌های دوست داشتن فرزندان سخت‌تر می‌شود و ابراز محبت اغلب کاهش می‌یابد. اما والدین به نوجوانان نیز باید نشان دهند که واقعاً همچنان آن‌ها را دوست دارید و به آن‌ها اهمیت می‌دهید.

والدین باید متوجه این تغییر شرایط و اوضاع باشند و مثلا جلوی دوستان و اقوام و فامیل، به‌طور علنی عشق و علاقه خود را نسبت به فرزند نوجوان با شور



و حرارت ابراز نکنند، چرا که به احتمال زیاد باعث ناراحتی و عصبانیت فرزندشان می‌شود، شاید مناسب باشد که ابراز عشق و علاقه، در خانه و بدون حضور دیگران صورت گیرد و یا در این زمینه ابتکاراتیگ و خلاقیت‌هایی از طرف والدین انجام گیرد، همانند اتفاقات خوشایند گاه و بیگاه ناگهانی که می‌توانند برای فرزند نوجوان خود، رقم زنند مثل سورپرایز سالروز جشن تولد و یا مناسبت‌های شاد دیگر.

بنابراین مهم است که در این دوران، والدین شیوه‌های جدید ابراز عشق و محبت به فرزندان نوجوان خود را بیاموزند و از آن غافل نشوند.

۴.مراقب خودتان باشید: اگر والدین مراقب سلامت روان خود نباشند و درگیر بحران‌های روحی و روانی شوند، یک رابطه قابل اعتماد نمی‌تواند بین آن‌ها با فرزندان‌شان ایجاد شود. ایجاد استرس، مشکلات مداوم یا درگیری‌های مکرر در زندگی زناشویی و یا بیرون از محیط خانواده، بر خلق و خوی ما و توانایی ما در توجه و پاسخگویی به فرزندان‌مان تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین مهم است که سعی کنید این مشکلات را مدیریت کنید تا باعث نشود تا از فرزندان خود، غافل شوید. خیلی از موارد و اتفاقاتی که در زندگی زناشویی و غیره می‌گذرد، در مقابل چیزی که در رابطه با همسر و فرزندان خود از دست می‌دهید، ناچیز و قابل گذشت هستند، در این شرایط بهتر است که با دید گسترده‌ای به اوضاع و احوال نگاه کنید و رفتارهای خود را بر اساس حفظ روابط خانوادگی و خصوصاً فرزندان، تنظیم کنید.

از طرفی لازم نیست که فرزندان شما درگیر مشکلات بزرگسالی شما شوند و به نوعی آن‌ها را در استرس و درگیری‌های بزرگسالی خود، شریک کنید. شاید با گذر زمان این مشکلات بزرگسالی شما رفع شود، اما تاثیر بد آن بر فرزندان باقی خواهد ماند.

زندگی آگاهانه

افراد منفی چه کمکی به ما می‌کنند؟

حسین زیرراهی- مدرس توسعه فردی



یکی از دوستان از رفتار روانی کارمند بانکی می‌نالید که قرار بود وامش را تایید کند. می‌گفت هر بار که با او حرف می‌زنم چنان خشمی سراپای وجودم را فرا می‌گیرد که دلم می‌خواهد به دو قسمت مساوی تقسیم‌اش کنم. گفتم فلانی من که دوست تو هستم و در کنار هم تفریح می‌کنیم و لذت می‌بریم که نمی‌توانم خشم‌ات را از کنترل خشم به تو یاد دهم. این وظیفه آن کارمند بانک است. ما به صورت طبیعی تمایلی به ارتباط با آدم‌های منفی نداریم. دوست داریم با انسان‌های بافرهنگ، فرهیخته، مودب، بخشنده، مهربان و خلاصه دارای هر نوع صفت مثبت در تعامل باشیم. درعوض از انسان‌های خشن، بی‌ادب، خسیس، مکار، دروغگو و غیره تا جای ممکن دوری می‌کنیم. نخست برویم سراغ تاثیر انسان‌های مثبت.

اولین تاثیر آدم‌های مثبت این است که وقتی با آن‌ها هستیم حال بهتری داریم. یا بقول معروف از هم‌نشینی آن‌ها لذت می‌بریم. مثلا یک آدم مؤدب هیچوقت به شما توهین نمی‌کند. انسان صادق به شما دروغ نمی‌گوید. بخشنده اگر چیزی نیاز داشته باشیم به ما ارزانی می‌دارد. فرد مهربان و حامی دستمان را می‌گیرد و یاری‌مان می‌کند. وقتی به زندگی در میان انسان‌های مثبت دقت می‌کنیم درست مثل زمان کودکی‌مان است که تحت پوشش حمایت خانواده قرار داشته‌ایم. این شرایط برای بچه ایدآل است ولی برای بزرگسال سرتاسر مثبت نیست. فکر کنید هیچوقت کسی به شما توهین نکرده باشد. یا هرچه خواسته‌اید به شما داده‌اند. چه قدر برای بدست آوردن خواسته‌های‌تان توان دارید؟ حال ببینیم زندگی در میان آدم‌های با صفات منفی چطور است.

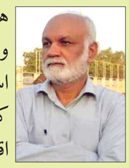
اگر بخواهم زندگی در میان انسان‌های با صفات منفی را به چیزی تشبیه کنم شاید به گذر از یک جنگل پرخطر یا صعود به قله‌ای سخت بی‌شباهت نباشد. همه مسیر پر از سختی و مشقت است ولی با هر گامی که برمی‌دارید مقداری بر توان ذهنی و جسمی شما افزوده می‌شود. به راستی اگر در تمام عمر کمتر از گل نشنیده باشیم روحیه‌مان چطور است؟ معلوم است سوسول. با اولین توهین، تحقیر یا بی‌اعتنایی دنیا روی سرمان خراب می‌شود. چه کسی بهتر از آدم مکار و حیله‌گر می‌تواند پیچیدگی دنیا را به ما نشان دهد؟ آن‌که چیزی به ما نمی‌بخشد غیرمستقیم وادارمان می‌کند خود برای رسیدن به خواسته‌های‌مان بجنگیم. همکاری که دانسته‌هایش را در اختیار ما نمی‌گذارد یا مغازه‌دار همسایه که سعی می‌کند ما را از بازار خارج کند ناخواسته تلاش برای یادگیری و مقاومت در ماندن در آن شغل را به ما یاد می‌دهد. همسایه فضولی که می‌خواهد از همه چیز ما سر در بیاورد و مدام روی اعصاب ما راه می‌رود در واقع دارد اعصاب ما را قوی‌تر می‌کند. کسانی که تجربه زندان را داشته‌اند در جامعه خیلی از دیگران راحت‌تر زندگی می‌کنند. چون تحمل انسان‌های منفی در آن‌ها بسیار بالا است. نتیجه این‌که هرگز در زندگی سعی نکنیم دور و برمان را فقط از آدم‌های خوب پر کنیم. چون به همان اندازه به آدم‌های بد هم نیاز داریم. آن‌ها ما را قوی‌تر می‌کنند.

خرید ۲ هزار میلیارد تومانی تیم تهرانی توسط پتروشیمی‌های جنوب

پس از جنجال‌های فراوان و انتقادهای بسیار به این واگذاری دستوری و البته نمایشی، باشگاه استقلال به بزرگترین هلدینگ پتروشیمی ایران رسید.
هلدینگ خلیج فارس برای این واگذار باید ۲هزار میلیارد تومان به دولت بپردازد. نکته قابل توجه اینجاست که هلدینگ خلیج‌فارس طرح‌های توسعه‌ای بسیاری در صنعت پتروشیمی دارد که نیازمند اختصاص اعتبارهای چند صدمیلیون دلاری است. بسیاری از کارشناسان معتقدند این واگذاری دستوری که هزینه ۲ هزار میلیارد تومانی روی دست هلدینگ خلیج فارس گذاشته است، آینده این هلدینگ به‌ویژه طرح‌های آن را با چالش مواجه می کند.

ورزش مظلوم بوشهر

عبدالباقی صداقت



همان‌طور که همه ورزش دوستان و علی‌الخصوص هواداران فوتبال استحضار دارند، در اکثر استان‌های کشور به دلیل وجود پتانسیل‌های اقتصادی، رونق و پیشرفت‌های چشمگیری صورت گرفته است و این موفقیت‌ها در همه بخش‌های جامعه قابل رویت بوده و امور مربوط به ورزش این استان‌ها نیز جزیی از همین پیشرفت‌ها می باشد.
امروزه ورزش یکی از ارکان خانواده‌ها محسوب می‌گردد و به صورت حرفه ای، آماتور و یا تفریحی با زندگی مردم در آمیخته و رکن جدایی‌ناپذیر خانواده گردیده است.
استان بوشهر نیز از لحاظ پتانسیل‌های اقتصادی از جمله استان‌های ممتاز و طراز اول می‌باشد که می‌توان حوزه‌های نفتی،گازی، پترشیمی، انرژی اتمی، شیلات، نخیلات و بنادر و دریانوردی را نام برد که هر کدام می توانند چندین رشته و باشگاه ورزشی را مورد پشتیبانی مالی و تدارکاتی خود قرار دهند. شاید اغراق نکرده باشم ولی باید بگویم که درآمدهای اقتصادی استان بوشهر می تواند ورزش استان را متحول کند و در سطح اول ورزش کشور قرار دهد. اگر به درآمدهای استان‌های دیگر توجه کنیم خواهیم دید که درصد ناچیزی از درآمد بنگاه‌های اقتصادی استان بوشهر می‌باشند، ولی با همین درآمدها باشگاه های ورزشی متعددی را مورد حمایت خود قرار می دهند. برای مثال صنعت مس، صنعت فولاد، صنعت آلومنیوم، صنعت سیمان، صنعت آهن، صنعت خودرو و مابقی صنعت ها که هر کدامشان در مقابل صنعت نفت و گاز و پتروشیمی استان بوشهر درآمد کمتری دارند.
با توجه به موارد فوق‌الذکر ملاحظه می گردد که هیچ گونه بودجه ای از طرف این پتانسیل‌های موجود در استان جهت رشد و شکوفایی ورزش تخصیص نمی گردد و باشگاه‌ها ی ورزشی استان بخاطر کمترین اعتبار و نداشتن بودجه لازم از لیگ‌های مختلف سقوط کرده و علیرغم تلاش بی‌وقفه مدیران ورزشی استان امتیازات با ارزشی از استان خارج می‌گردند ولی در همین حال مشاهده می‌گردد که سهام یک باشگاه لیگ برتری فوتبال در یک استان دیگر توسط صنعت پتروشیمی استان بوشهر که میلیاردها تومان است خریداری می گردد. به همین خاطر باید به مدیران ارشد و نمایندگان مجلس استان این ضرب المثل را گوشزد نمود که: چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.

محمد میهن دوست مربی بوشهری تیم ملی فوتبال ساحلی ایران در جام جهانی ۲۰۲۴ امارات

مدیران سعی کنند تا حق ورزش را از این همه سرمایه که در استان بوشهر است، بگیرند



مهدی صالحی‌زاده: محمد میهن‌دوست یکی از مربیان و بازوان (علی نادری) سرمربی تیم ملی فوتبال ساحلی ایران است و از بوشهری‌های تیم ملی به شماره می رود. محمد همراه سفیدپوشان ایران در جام جهانی ۲۰۲۴ امارات متحده عربی (دبی) خوش درخشید و به مقام سوم جهان نایل شدند. اگر اندکی هوشیار در دفاع کردن مقابل برزیل آن هم زمانی که چهل ثانیه به پایان بازی رعایت و انجام می‌شد، بی‌شک ایران در فینال حضور می‌داشت. چیزی که در این میان برای همه قابل مشاهده بود، شادابی ملی پوشان بود که این نشان از عملکرد خوب میهن دوست در امر آمادگی جسمانی ملی پوشان بود.



هنرنمایی بوشهری‌های ملی پوش (مسلم مسیگر، علی میرشکاری و محمد معصومی‌زاده) در جام جهانی هم جای تشکر دارد. لازم به ذکر است محمدجواد خسروی، دروازه بان بوشهری تیم ملی در آخرین روزهای اعزام به جام جهانی، از ناحیه رباط صلیبی دچار مصدومیت شد و جام جهانی ۲۰۲۴ را از دست داد.
–آقای میهن دوست، ضمن تبریک به مناسبت مقام سومی جهان در فوتبال ساحلی ۲۰۲۴ که در کشور امارات (شهر دبی)، بفرمایید سطح کیفی جام جهانی چگونه بود؟
– این افتخار به همه ایرانی ها به خصوص بوشهری‌ها تعلق دارد و من به همه آن‌ها شادباش عرض می کنم و امید است این مهم را از ما قبول نمایند. در مسابقات جام جهانی همه تیم ها می‌آیند برای بهترین نتیجه، البته با ساختار و پشتوانه قوی به میدان می‌آیند و این کار را خیلی سخت می کند. هر تیمی که بازی می کند یک هدفی دنبال می کند. یکی هدف دارد که از گروه خودش صعود کند، دیگری هدف‌گذاری کرده که جزو هشت تیم باشد و بعضی ها هم چشم به قهرمانی دارند. کلا شرایط برای همه تا قبل شروع مسابقات یکسان است. با توجه به این که کشور امارات از لحاظ تاسیسات در شهر دبی ایجاد کرده بود. سطح کیفی بازی ها فراتر از جام جهانی روسیه و دوره قبلی بود و این کار را برای همه سخت کرده بود.
– بازی اول ایران مقابل اسپانیا خیلی بد شروع کردید، اما در پایان به سود ایران شد. این را چگونه ارزیابی می کنید؟
– همیشه در هر تورنمنتی، بازی‌های اول شرایط خاص خودش را دارد. تیم اسپانیا یک تیمی بود که از قهرمانی اروپا برمی گشت و چند نفر از آن‌ها جایزه بهترین های اروپا را گرفته بودند. بازیکنان‌شان با اعتماد به نفس خوبی جلو ایران ظاهر شدند. دقایق اول بازی متاسفانه از موقعیت‌هایمان خوب استفاده نکردیم ولی آن طرف، اسپانیایی‌ها توپ‌های‌شان به تور ما نشست و این را برای ما سخت کرده بود. ولی رفته رفته کارهای تاکتیکی در امر دفاعی بهتر انجام دادیم. فضاهای‌شان را بستیم و در حمله موفق‌تر بودیم. در نهایت بازی مساوی شد و در ضربات پنالتی اسپانیا را شکست دادیم.
– در دیگر بازی‌های گروهی، بازی های خوبی مقابل تیم های آرژانتین تایتی انجام دادید؟ در بازی با امارات که مرحله یک چهارم بود. یک مقدار بازی شرایط طبیعی خود را ازدست داده بود این موضوع به استرس ربط داشت یا حاشیه های تیم امارات؟
– بازی با امارات بازی مشکلی نبود ولی یک مقدار حواشی میزبان اذیت‌مان کرد. تیم هایی که میزبان هستند پس از صعود از گروه شان به سختی اوت می‌شوند و در برابر تیم های بزرگ هم دردسرساز می‌شوند. ولی در پایان با دو گل، آن‌ها را شکست دادیم و همین که بردیم جای شکر دارد.
–یک نکته ای که در تیم ملی دیده می‌شد موقعیت‌سازی یا امید به گل در نزد بچه‌ها زیاد دیده می‌شد؟
– ما یک تیمی بودیم که طبق آمار و ارقام خود فیفا بیشترین امید گل را در مسابقات داشتیم.
– بازی با برزیل در نیمه نهایی، شروع خوبی بود ولی پایان آن تلخ. چرا در این بازی که می‌توانستید برنده شوید هر چه به پایان بازی نزدیک می‌شدید، نوسان در نزد شاگردان شما بیشتر می‌شد؟
– باور کنید برای بازی برزیل، کل چیزهایی که نیاز بود به بچه ها گفتیم، چه طور در دفاع بازی کنند و چگونه در حمله آسیب‌پذیر هستند را به تک تک ملی پوشان گوشزد کردم. خوب بازی شروع شد دو بر صفر جلو افتادیم و در این بین دو بخت گلزنی نصیب‌مان شد که یکی پس از دیگری ازبین رفت و نزدیم تا این که یک پنالتی بی خود به برزیل هدیه دادیم. بازی شد دو بر یک. پس از این نتیجه در دو صحنه، شانس گلزنی داشتیم توپ های ما به گل تبدیل نشد. تا این که بازی مساوی شد. ۱۰ ثانیه به پایان بازی یک موقعیت گل زنی خوب نصیب تیم ما شد که مهاجم ما فرق بین خودخواهی و گذشت را متوجه نشد و همان توپ به تور ما نشست و بازی را واگذار کردیم. درست است که باختیم ولی ما توانایی بردن با برزیل را داشتیم یعنی پیروزی دور از دسترس نبود. در بازی رده بندی هم بچه‌ها در برابر بلاروس به خوبی فعل خواستن را صرف کردند.
–کار با علی نادری سرمربی تیم ملی چگونه بود؟
– هم لذت بخش بود هم راحت و هم فراق بال. به عنوان یک کمک به ما آزادی عمل می‌داد و به ما اعتماد کامل داشت. از ایشان تشکر می کنم.
–آیا در امارات، موج‌های مثبت از ایران برای شما ارسال می شد؟
– بله، صدر در صد. خانواده‌مان که همیشه در این راه‌ها همراه ما بوده و کلا به عنوان یک یار خوب کنار ما بودند. دوستان هم پس از هر برد به ما روحیه می‌دادند که این مهم برای ما خیلی تاثیرگذار بود. تیم ملی فوتبال ساحلی را مردم ایران دوست دارند و در خانواده نفوذ کرده است. مردم به ما خیلی لطف داشتند به خصوص ایرانی‌های مقیم دبی.
–آینده شما در فوتبال ساحلی چگونه رقم می‌خورد؟
– بنده یک مربی هستم. باید دید که شرایط کاری چگونه پیش می رود. هر چه خدا بخواهد همان می‌شود.
–سخن پایانی؟
–یک صحبتی که با مسئولان استان دارم این است که آن ها سعی کنند تا حق ورزش استان بوشهر را از این همه سرمایه که در استان بوشهر است، بگیرند، تنها خواسته مان همین است.

باید برای تراژدی ورزش بوشهر، سال‌ها گریست

الهه غریب زاده – مؤلف مجموعه یک قرن با تاریخ فوتبال بوشهر



وجود منابع نفت و گاز و پتروشیمی و ارتباط مستقیم آن با سوخت شدن استعدادهای‌فرهنگی ورزشی بوشهر در طی سال‌های اخیر مصاحبه‌های متعددی با همه اقشار حوزه فوتبال و فرهنگ داشتم: نخبه‌ها، پیشکسوتان، مشاهیر، هنرمندان، ملی پوشان و... حلقه مفقوده و یا بهتر بگوییم درد مشترک اصحاب فرهنگ و ورزش، نبود حمایت های مادی و معنوی بود.
چه بسیار پتانسیل هایی که خسته از شرایط موجود یا بار سفر بستند یا در سکوتی غمبار و در گمنامی، از علاقمندی خود، دل کندند و در گوشه‌ای به ادامه زندگی مشغول شدند، تا امروز شاهد آمار بالای اعتیاد، آسیب‌های اجتماعی، دلزدگی نسل جدید برای رسیدن به موفقیت‌های فرهنگی ورزشی باشیم.
حمایت از یک تیم تهرانی، تنها صرف هزینه‌های جاری یک پتروشیمی نیست، بلکه تیشه زدن به ریشه‌هایی است که به هزار امید جوانه زدند و در این گرمای طاقت فرسای بوشهر، سال‌ها عرق ریختند.
کاش ساعتی میهمان‌شان کنیم به دیدن این سناریوی تلخ، شاید اثر کند، مثلا به یکی از مدارس فوتبال که عمدتا چشم انتظار ذرّه‌ای حمایت اند، یا باشگاه‌هایی که به هزار مشقت همچنان ادامه می‌دهند، یا چشم امید پدر و مادرهایی که روی سکوها با شوق آینده ای روشن، فوتبال بچه‌های نوجوان‌شان را نظاره نشستند و هزاران ناگفته دیگر.

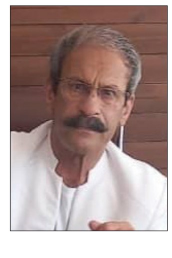
سهم ورزش بوشهر کجا می‌رود؟!



غلامرضا گنجی، مدیر ورزشی: متأسفانه سال‌هاست که مرکزنشینان اعتباراتی که ماحصل دسترنج تلاشگران استان بوشهر در صنایع و پتروشیمی‌هاست به بهانه ملی بودن طرح‌های مورد نظر و به واسطه حضور مدیران غیربومی و بعضاً بومیان حافظ میز و صندلی ریاست، خارج از استان بوشهر هزینه می کنند و بدون توجه به مشکلات زیست محیطی که دامن‌گیر مردم ساکن در مناطق همجوار این گونه صنایع گردیده و همچنین از ضعف مسئولین استان بخصوص مدیران ورزشی استفاده نموده و آن بخش از سهم ورزش که باید توسط صاحبان صنایع صرف توسعه ورزش منطقه و استان شود، خرج تیم‌های تهرانی تحت حمایت دولت شده که این موضوع با روح ورزش ناسازگار بوده و تلاش همگانی نمایندگان مجلس، مسئولین و مدیران ورزشی استان می‌طلبد تا سمت و سوی جذب اعتبارات ورزشی مرتبط با این گونه شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی‌ها در راستای تقویت ورزش پایه استان خاصه تیم‌های حاضر در رقابت‌های لیگ برتر نه تنها فوتبال بلکه نمایندگان تمام رشته های ورزشی مورد حمایت قرار گرفته تا در سطح استان نیز شاهد برقراری عدالت ورزشی در بین هیات‌ها و رشته‌های ورزشی باشیم.

مشکل مدیران ورزشی ما، نخواستن است

امیر (ابراهیم) گرگوری مطلق، پیشکسوت فوتبال بوشهر: با توجه به عدم موفقیت تیم‌های فوتبال بوشهر، می‌توان عملکرد مدیران ورزشی را ارزیابی نمود. اگر مدیران توانمند و دلسوخته در رأس ورزش استان بوشهر بودند، ما نیاز به حمایت صنایع و شرکت‌هایی که به واسطه منابع نفت و گاز و پتروشیمی در استان فعالند، نداشتیم.



اگر مدیران توانمند داشتیم، می‌توانستند اعتبارات تخصیص‌یافته که قانون مشخص کرده، را به سمت ورزش هدایت کنند. آیا کسی از وضعیت قانونی که در ارتباط با اختصاص یک درصد از سهم اعتبارات هزینه‌ای دستگاه اجرایی درخصوص ورزش تصویب شده و در کل کشور اجرایی می‌شود و سال‌هاست از آن می‌گذرد، در ورزش استان بوشهر خبر دارد؟ آیا مدیری تا به حال از میزان سهم استان بوشهر با این همه منابع و منافعی که به رشد خالص و ناخالص اقتصادی کشور کمک شایانی می‌کند، صحبتی به میان آورده است؟

سوال واضع من از مدیران مربوطه که مدعی شفافیت هستند، این است که اگر مدعی مدیریت صحیح اعتبارات تخصیص یافته استان بوشهر هستند، میزان اعتبار تخصیص یافته به استان بوشهر از این یک درصد چه قدر بوده است؟ اگر چیز قابل توجهی نبوده است، پس حداقل پیگیر گرفتن حق طبیعی ورزش بوشهر از مسئولین و نهادهای بالاسری باشند.

منطق هر انسان عاقلی حکم می‌کند که به داشته‌های دیگر استان‌ها در امر ورزش گلایه نداشته باشیم، مشکل مدیران ورزشی ما نداشتن و ندانستن نیست، نخواستن است.

امیدوارم فارغ از هر دیدگاه و نظری، مدیران شایسته و توانمند در راس کار بیایند تا ورزش استان بوشهر، با این همه استعداد بیش از این تحقیر نشود.

ورزش استان، همت عالی می‌خواهد

علیرضا محمدی: زنجیره ورزش متشکل از ۵ حلقه مدیران، مربیان، بازیکنان، هواداران و رسانه ها است. بحث اصلی ما پیرامون مدیران،آن هم مدیران ارشد استان بوشهر است.



نگاهی گذرا به باشگاه‌های اصفهان، کرمان و اهواز و... خود گویای همه مسایل است.

جهت استحضار هفته گذشته به بودجه ۱۰۰۰ میلیاردی فولاد سپاهان اصفهان ۷۰۰ میلیارد دیگر افزوده شد! یک‌بار دیگر بخوانیم بودجه هزار و هفتصد میلیاردی!

ورزش بوشهر اما همت عالی می‌خواهد! کارگروهی متشکل از استاندار و نمایندگان استان و متولیان ورزش تحت عنوان کارگروه ویژه ورزش استان پیگیر مصوبات سالیانه در خور شأن نام بندر بوشهر باشند.

چرا نفت و گاز، از فعالیت‌های ورزشی استان بوشهر حمایت نمی‌کنند؟

نادر اقدام – پیشکسوت فوتبال بوشهر



شرکت‌های قوی و ثروتمند پارس جنوبی در استان بوشهر، می‌توانند نه تنها کل هزینه‌های همه‌ی رشته‌های ورزشی را تامین کنند بلکه زندگی کل مردم ایران را دگرگون نمایند (بشرطی که این شرکت‌ها توسط مدیران باسواد، دلسوز، متعهد، ورزش‌دوست و دست‌پاک اداره شوند) اما متاسفانه آن‌چه این روزها می شنویم فقط خبرهای ناگوار از غارت بیت‌المال در برخی از این شرکت‌هاست.

طبیعی است که برخی از این مدیران چون از طریق قدرت‌های پنهانی در مرکز حمایت و تعیین شده و می شوند و همانند اختاپوس به میزهای مدیریتی چسبیده اند که جدا کردن آن‌ها به این سادگی میسر نیست، لاجرم تحت پوشش مالی قرار گرفتن تیم‌های تهرانی توسط این پتروشیمی‌ها و صنایع چیز عجیب و غیرقابل باوری نیست. پس با این شرایط کمک خواستن از افرادی که تمایل به همکاری و حمایت از ورزش ندارند، عبث و بیهوده است.

البته یکی از موارد بسیار مهمی که ما بوشهری‌ها تاکنون در این زمینه موفق نبوده‌ایم، موضوع مطالبه‌گری است که در بوشهر بسیار ضعیف است. اگر چند نفر گاهی در این زمینه شکایات به حقی هم داشته‌اند و به مقامات استان اعلام کرده‌اند، متاسفانه به علت مطالبه گری ضعیف جامعه ورزشی استان و مردم استان بوشهر این شکایات راه بجایی نبرده و پس از مدتی به بوته فراموشی سپرده شده اند.

اگر چه هنگامی که تیم شاهین بوشهر در لیگ برتر ایران بود و بودجه‌های مناسبی با کمک مدیرکل تربیت بدنی وقت با توجه به پیگیری‌های مکرر و رایزنی‌های موثر اداری با مدیران شرکت‌ها و جذب هزینه‌های متعارف مالی، متاسفانه بودجه‌های تصویب شده در مرکز به شرطی به استان تعلق می‌گرفت که معمولا مدیران وقت شاغل در تیم فوتبال شاهین بوشهر دخل و تصرف قانونی در همه مبالغ تعیین شده نداشته و پول تعیین شده از مرکز به شرطی به تیم شاهین قابل پرداخت بود که ما بوشهری‌ها شرایط تعیین شده مرکزنشینان را که شامل این موارد بود بپذیریم:

تحمیل مربی و کمک مربی های دوره ندیده و بی‌کیفیت و سایر افراد کادر فنی که بعضاً واجد شرایط نبودند و تعدادی بازیکن نه چندان آماده و گاهی از رده خارج و مصدوم که با دو بازی اول دیگر قادر به ادامه بازی‌ها نبودند یا اصلا بازی نکردند اما پول قراردادهای خود را کامل دریافت نمودند. به همین دلایل مبلغ باقی مانده آن‌قدر نبود که گرهی از مشکلات تیم شاهین باز کند.

این در حالی بود که در بوشهر با کمال ناباوری از بستن قرارداد با کادر فنی‌ای که تیم را به لیگ برتر رسانده بودند، خودداری شد. شاید اگر با همین کادر ادامه می‌دادند هزینه‌های کمتری به تیم تحمیل می‌شد و چه بسا موفقیت‌های بیشتری در طول لیگ کسب می کردند.



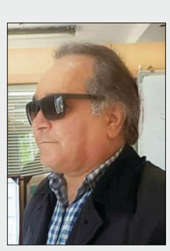
جشن صعود شاهین پارس جنوبی به لیگ برتر

پس برای این که از پتانسیل‌های داخل استان که کم هم نیستند به نحو احسن استفاده شود، نیاز داریم که افراد شجاع و دارای نفوذ در مرکز داشته باشیم و مسئولان فعلی استان تمایل به پیگیری مطالبات بحق مردم داشته باشند و این شرکت‌ها را مجبور به پاسخگویی و تامین هزینه کنند. مانند استان‌های اصفهان یا کرمان که دارای چندین تیم در لیگ برتر هستند. لذا این رویه ای که این شرکت‌ها در پیش گرفته اند مورد رضایت ما قطعا نیست.

سوال ما این است که با توجه به این که این شرکت‌ها مستقر در این استان بوشهر هستند و از مزایایی همچون حقوق‌های نجومی، حق ماموریت‌ها و سایر امکاناتی که از چشم مردم عادی پنهان است، استفاده می‌نمایند، چرا در زمینه حمایت‌ها از فعالیت‌های ورزشی استان بوشهر پاسخگو نیستند.

تبعیض و بی عدالتی نفت و گاز به ورزش و فوتبال بوشهر

ولید صفری – پیشکسوت فوتبال بوشهر



جناب آقای محمدزاده، استاندار محترم بوشهر

بنده بعنوان فردی دلسوز و نگران از جامعه بزرگ ورزش استان، نامه‌ای را خطاب به شما می‌نگارم تا صدایی باشد برای فریادهای خاموش مانده مردم این خطه. سال‌هاست که شاهد بهره‌برداری نابرابر از منابع غنی استان هستیم، منابعی که به جای تقویت بنیه‌ی ورزشی و فرهنگی ما، به جیب دیگران سرازیر می‌شود. چگونه است که تیم‌هایی از پایتخت، همچون استقلال تهران، توانسته‌اند حمایت‌های مالی پتروشیمی‌های ما را جلب کنند، در حالی که تیم‌های محلی ما در تنگنا و فقر مطلق به سر می‌برند؟

این مسئله، نه تنها نشان‌دهنده‌ی یک تبعیض آشکار است، بلکه بیانگر یک نوع بی‌توجهی مزمن به حقوق و آرمان‌های جوانان این استان به شمار می‌آید. ما از شما، به عنوان نماینده عالی دولت در استان، می‌خواهیم که با اقداماتی جدی و مؤثر، نه تنها به این وضعیت پایان دهید، بلکه زمینه‌ساز تحولی عظیم در عرصه‌ی ورزش و فوتبال استان شوید. ما خواهان استفاده عادلانه از منابع و ثروت‌های استان برای تقویت و پشتیبانی از تیم‌های محلی و جوانان ورزشکار هستیم. بی‌شک، اگر این مسیر اصلاح نشود، نه تنها آینده ورزش در استان ما به خطر خواهد افتاد، بلکه نسل‌های آینده نیز از این بی‌عدالتی‌ها رنج خواهند برد. ما امیدواریم که این نامه، زنگ خطری باشد برای توجه بیشتر به مسائل ورزشی و اجتماعی استان و آغازگر تغییراتی باشد که به نفع همه‌ی مردم بوشهر تمام شود.

آلودگی پتروشیمی‌ها برای استان ندار، درآمدش برای پایتخت دارا !

مسعود باستی، خبرنگار ورزشی: وقتی مالکیت جدید تیم‌های سرخابی پایتخت چندین بانک و پتروشیمی می‌شوند، آدم «گر» می‌گیرد، البته اگر اهل بوشهر باشی و دلسوز همیشگی این دیارِ سراسر محروم نه، بلکهَ مظلوم...



این‌جا مرغ همسایه غاز هست و به جای آن که صنایع نفتی و گازی که در همین استان کسب درآمدهای مولتی میلیاردری می‌کنند، اسپانسر تیم‌های همیشه ندار استان باشند اما از آن‌جا که خون تیم‌های سوگلی پایتخت رنگین‌تر است بسان آهن ربایی جذب آن‌ها شده اند.

اینجا همیشه تیم های استانم خصوصا رده‌های پایه «مِنْمِنِه» هزینه اتوبوس و جای خواب و لباس داشتند و دارند.

و حالا پیشنهادی دارم به صنایع نفت و گازی که پول‌شان را دارند خرج تیم‌های قرمز و آبی می‌کنند؛ اگر می‌توانند بروند همان پایتخت نیز کسب درآمد و به همان تیم‌ها نیز کمک کنند!

گُر = آتش گرفتن، برافروخته شدن

مِنْمِنِه = دل نگرانی، دغدغه

فوتبال بوشهر نه دلسوز داشته و نه صاحب

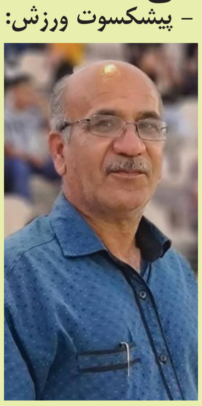
مجید غاله: حمایت‌های شرکت‌های نفتی و پتروشیمی‌ها برای دوره‌ای خوب بود و بعد از قطع همکاری آن‌ها با فوتبال بوشهر، وضعیت فوتبال بوشهر اسفناک شد، البته فوتبال بوشهر نه دلسوز داشته و نه صاحب، امیدوارم از این به بعد این وضعیت تغییر یابد.



چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است، از آن‌ها که صاحب دارند حمایت بشود چه اشکالی دارد؟ اما اولویت با فوتبال و باشگاه‌های استان بوشهر باشد، بعد هم بروند و به آن‌ها کمک کنند.

عدم مطالبه‌گری جامعه ورزشی

عبدالمحمد سرتلیان – پیشکسوت ورزش:



این جفای آشکار در حق مردم مظلوم استان بوشهر بالاخص جامعه ورزش استان است. پیگیری ضعیف و بی‌نتیجه نمایندگان استان در مجلس، استاندار و دیگر عوامل ذیربط در این جریان است.

البته عدم مطالبه‌گری مردم استان و جامعه ورزشی و نبودن تشکیلات منسجم جهت مطالبه حقوق حقه مردم به این قضیه دامن زده است.

کار در برابر غذا از نوعی دیگر!

غلامرضا بنی اسدی: تلخ شنیده ها تلخ در ذهن آدم می‌ماند. هزار شیرینی بعد هم نمی‌تواند آن تلخی را پاک کند. از این شمار است ماجرایی که میانسال مردی ازدوران‌های سختِ گذشته می‌گفت. از آنچه بر پدرش رفته بود. می‌گفت من و پدرم برای کار به مشهد آمدیم. من در یک کارگاه به کار گرفته شدم و پدرم به یکی از شهرهای شمالی خراسان رفت. چندی بعد که آمد، دیدم دستش خالی است. او هم سر به زیر انداخت و جمله ای گفت که بعد از ده ها سال هنوز مرا می‌سوزاند؛ با من دعوا نکنی پسرم. من مجبور شدم به ازای خورد و خوراکم کار کنم. یعنی همین که امروزه می گوییم: «کار در برابر غذا» مرد بغض در گلو و اشک در چشم داشت.



حالی که برای من هم ایجاد شد با این که پدرش را نه دیده بودم و نه می شناختم. این که یک مرد فقط در برابر غذای خود به کارگرفته شود را ناعادلانه می‌دانستم. ماجرا اگر چه قدیمی است اما همچنان مرا می آزارد.

این خاطره تلخ زمانی تجدید شد که از زبانِ محسنِ باقری، نماینده کارگران در شورایعالی کار، ماجرای «سبدِ غذایی» را خواندم که توسطِ وزارت بهداشت برای محاسبه در سبد معیشت در موضوع تعیین دستمزدها طراحی شده است.

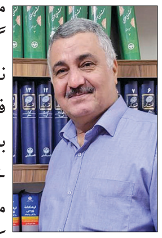
به گفته این مقام کارگری، «در سبدِ جدید ۳۰گرم از مصرفِ روزانه نانِ مورد نیاز هر فردِ کم شده است. همچنین حدود ۱۰ گرم از مصرفِ گوشت کم شده؛ یعنی درحالی‌که در سبدِ قبلی، میزانِ مصرفِ گوشتِ روزانه ۴۸گرم تعریف شده بود، در سبد جدیدِ این میزان به ۳۸گرم رسیده است و یا ۲۸۰ گرم میوه به ۲۰۰ گرم کاهش پیدا کرده است.» این در حالی است که یک کارگرِ معمولی روزانه به ۲هزار و ۸۰۰ کالری نیاز دارد، اینِ میزان در مشاغلِ سخت‌تر به حداقل ۵هزار کالریِ روزانه می‌رسد، که این میزان به شدت در این سبدِ تقلیل یافته و این کاهش خود را در سبد معیشت هم نشان خواهد داد.

نمی دانم چه باید گفت با این حساب و کتاب کردن حضرات انگار کالری مورد نیاز کارگر هم به نامِ رئیس‌جمهور بستگی دارد. اگر «الف» بود کالریِ سوزی چند برابر می شود و اگر «ب» بود، به شدت پایین می آید و می شود این سبد غذایی که تعریفاش گذشت. اگر قدیم شرایط بر کارگران چنان سخت بود که به ازای وعده غذایی کار می کردند، امروز هم باید به نوعی دیگر، رسمی چنان را تازه کنیم؟ به تورم روز افزون توجه دارید که فردا همین میزان هم ناممکن خواهد شد؟

جالب است که خود حضرات آمار تورم چهل و چند درصدی می دهند اما برای حقوق‌بگیران و مستمری‌بگیران با هزار منت، از ۲۰ درصد افزایش سخن می گویند. با همین تورم امروزی، ۲۵ درصد سفره‌ها کوچکتر می شود. تورم سال آینده که همان سفره کوچک شده را خالی خواهد کرد و به باد خواهد داد. خدا عاقبتِ ما را بخیر کند با این گونه تدبیرها و برنامه‌های مسئولان و تورمی که چون دیو دهان گشوده است برای بلعیدنِ توان‌مان. خدا با متصدیان امور – انشاالله – همان گونه رفتار کند که آنان در حق ما روا می دارند. ما که اهل نفرین و بدخواهی نیستیم. به دنبالِ عدالت‌ایم. این هم عین عدالت است که با هرکس چنان رفتار شود که او در حق دیگران روا می دارد./ انتخاب

تاریخچه و ویژگی‌های پدیده زار در خلیج‌فارس

دکتر حمید اسدپور



مقدمه: خلیج‌فارس از گذشته‌های دور تاکنون نقطه اتصال و آمیزش فرهنگ‌های مختلف بوده است مهاجرت‌های خواسته یا ناخواسته اقوام مختلف به کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج‌فارس عامل اساسی آمیختگی فرهنگ‌ها است. یکی از این مهاجرت‌های ناخواسته ،حضور بردگان آفریقایی در خلیج فارس و انتقال فرهنگ خود به این نواحی می باشد. از سوی دیگر ارتباط گسترده ساکنان کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس و سواحل آفریقا در آمیزش و انتقال فرهنگ‌ها، نقش مهمی ایفا نموده است. یکی از این پدیده‌های فرهنگی که معلول حضور آفریقایی‌تباران در سواحل خلیج فارس می‌باشد، پدیده زار است. این پدیده محصول اعتقاد بشر به عوامل ماوراءطبیعی به ویژه ارواح خبیثه می‌باشد. اعتقاد به حلول ارواح خبیثه در کالبد انسان در بسیاری از فرهنگ‌ها وجود داشته است و در شکل‌های مختلف به مانند زار، خود را نمودار ساخته است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوالات است که ریشه‌های اصلی پدیده زار چیست؟ کدام زمینه‌ها و علل، باعث گسترش و تداوم این پدیده در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج‌فارس گردیده است؟ همچنین با بررسی پدیده زار در آفریقا و ایران به چگونگی اجرای مناسک زار و مشابهت‌های آن در ایران و آفریقا توجه شده است. به نظر می‌رسد که فقدان پناهگاه امن و نبود استدلال منطقی جهت حل مشکلات در نزد ساکنان کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس از یک سو و زندگی همراه با مشکلات متعدد در نواحی جنوبی ایران، مسافرت‌های فراوان دریانوردان این نواحی به سواحل افریقا و سکونت افریقایی‌تباران در سواحل خلیج‌فارس از سوی دیگر باعث رواج و توسعه پدیده‌ای به نام زار شده است. هم چنین این پدیده با برخی از ساختارهای فرهنگی این نواحی هماهنگی و مشابهت داشته است. این پژوهش با اتکا به فعالیت‌های میدانی و همچنین بهره گرفتن از منابع و مأخذ نوشتاری انجام شده است.

پیشینه تحقیق: در مورد زار برخی پژوهش‌ها صورت گرفته است. این پژوهش‌ها در قالب کتاب‌ها و مقالات می‌باشد. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب زار در ایران و دیگر کشورها است که دراین پژوهش بیشتر به چگونگی برگزاری مراسم زار در ایران و کشورهای دیگر اشاره شده است. (مقدم،۱۳۹۶) هم چنین ساعدی در اثری به نام اهل هوا (ساعدی،۱۳۴۵) و ریاحی در کتابی با عنوان زار، باد و بلوچ(ریاحی،۱۳۵۶) ضمن اشاره به نقش باد در مساله زار و انواع بادها به برخی جنبه‌های زار مانند شیوه‌های درمانی آن پرداخته‌اند. بلوکباشی نیز در دائره‌المعارف بزرگ اسلامی و در توضیح موضوع اهل اهوا به شرح تأثیر باد در این موضوع و درمان آن اشاره نموده است.

علاوه بر این کتب در مقالات هم به این موضوع پرداخته شده است. از آن جمله مقاله شنود موسیقی در زار است که در آن به موضوع نقش موسیقی در مساله زار توجه گردیده است. نمونه دیگر، مقاله‌ای با عنوان مولفه‌های بینش اسطوره‌ای در مراسم زار است که به نقش اسطوره‌ها به ویژه مساله باد و فقط در محدوده جغرافیایی بندرعباس پرداخته است. دبیری‌نژاد و میرمیران و هم چنین عبدالهیان و آقایی نیز در پژوهش‌هایی به بررسی زار پرداخته، برخی جنبه‌های درمانی آن و اسطوره‌ای این موضوع را توصیف و تحلیل کرده‌اند. با وجود این تحقیقات ارزشمند نامبرده در فوق، جنبه نوآورانه در این پژوهش آن است که ضمن توصیف و تحلیل این موضوع و مشاهدات میدانی به زمینه‌ها و عواملی مانند محیط جغرافیایی،کمبود امکانات درمانی در زمینه بیماری‌های روانی و نقش عدم پناهگاه امن جهت این بیماران در گسترش و تداوم زار، آن هم در محدوده یک شهر، بلکه در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج‌فارس پرداخته است.

بردگان و پدیده زار

از زمان‌های گذشته و به ویژه در قرون وسطی، تجار عرب، تعدادی از آفریقائیان را به عنوان برده و در ازای آهن، اسب، نمک و پارچه از روسای قبایل می‌خریدند. در قرون بعد نیز مسلمانان و اروپائیان با واگذاری کالاهایی به آفریقاییان، مسئله برده‌داری را تداوم بخشیدند. به ویژه شبکه تجارت برده در شرق آفریقا رواج بیشتری داشت و جزایر زنگبار و اطراف آن، پایگاه اصلی برده‌داری بودند.



در ایران، با سقوط حکومت صفویه و شروع دوره فترت، ورود غلامان قفقازی کاهش یافت و نقش و اهمیت بردگان سیاه پوست بیشتر شد. با شروع دوره قاجار، دلالان و تجار، تعداد زیادی از بردگان را از شرق آفریقا، راهی کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان نمودند. از جمله بنادری که در تجارت برده نقش اساسی داشت، بندر مسقط بود. از این بندر بود که بردگان به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شدند و راهی بنادر دیگر مانند لنگه، کنگان، بوشهر و جزیره قشم می‌شدند.

بخش کوچکی از بردگان نیز از طریق حجاج و یا خرید از بازارهای عربستان به ایران وارد می‌شدند. از تعداد واقعی بردگان که به سواحل خلیج فارس وارد می‌شدند، آمار دقیقی ارائه نشده است. لیدی شیل عنوان می‌دارد که بیشتر آن‌ها در شهرهای بوشهر و بندرعباس حضور داشتند و احتمالاً سالیانه بین دو تا سه هزار برده آفریقایی وارد ایران می‌شدند.

بردگان در ایران، معمولاً به کارهای سخت و شاق گماشته نمی‌شدند و در خانه‌های اعیان و اشراف فعالیت می کردند و یا در امور کشاورزی به صاحبان خود کمک می‌نمودند. ایرانیان و به ویژه مسلمانان از تحمیل کارهای سخت بردگان خودداری می‌کردند و فروش آن‌ها را امری پسندیده نمی‌دانستند. برخی از بردگان حتی به مناسبت‌های مختلف مانند عروسی و تولد، آزاد می‌شدند. پس می‌توان نتیجه گرفت که با چنین وضعیتی، بردگان به آسانی می‌توانستند در ایران و به ویژه در سواحل خلیج‌فارس سکونت یابند و حتی آداب و رسوم اولیه خود را حفظ کنند. نیبور که در دوره پیش از سلطنت قاجار یعنی در دوره زندیه از ایران دیدن کرده است در سفرنامه خود گزارش داده است که گروهی از آفریقایی‌ها در جزیره خارک و به صورت کافر می‌زیستند و کماکان مذهب خود را حفظ کرده بودند. مراسم آن‌ها همراه با رقص و طبل بود و تحت ریاست فردی به نام شیخ فرج بودند. امروزه هم یکی از مراکز انجام مناسک زار، جزیره خارک است و چنان که اشاره خواهد شد، این مراسم با طبل و رقص همراه است.

باد و زار

اعتقاد به جان بخشی اشیا و پدیده های مادی در بسیاری از فرهنگ ها، ریشه طولانی دارد. یکی از این پدیده های مادی، باد است که عنصر اساسی در زار محسوب می‌شود. باد از جمله مهم‌ترین ایزدان ایران باستان بود که با صفت پیروزی توصیف می‌گردید. این ایزد نه تنها در ایران، بلکه در فرهنگ هند نیز ایزدی قدرتمند محسوب می‌شد. باد در ایران و هند دارای شخصیتی بود که در عین نیکوکاری دارای نیروی هراس‌انگیز و اهریمنی نیز بود و کسی یارای گریز از آن نداشت.

تیشتراز فرشتگانی بود که در فرهنگ ایرانی، همواره از باد یاری می‌خواست و مینوی باد به شکل مردی بر زمین ظاهر می‌شد. باد در فرهنگ اوستایی نیز با نام‌های وای و وایو مورد توجه است و حتی جهت راضی نمودن او، بزرگان به قربانی کردن می‌پرداختند. باد در اوستا نیز به عنوان عامل باران‌های سیل‌آسا، معرفی شده است که دارای نیروی مخرب و قدرتمند می‌باشد. (همان)

پس وایو، ایزدی دوگانه بود که در عین خوبی، دارای نیروی اهریمنی بود. این ایزد را به عنوان نگهبان هوا نیز برمی‌شمردند. تأثیر و نقش باد در فرهنگ باستان و به ویژه در مناطقی مانند هند، چنان بود که نقش این پدیده برای جهان را به مانند تنفس برای انسان به حساب می‌آوردند و معتقد بودند که باد عالم را منسجم نگه می‌دارد و هر زمان که بندهای باد بریده شود، عالم متلاشی می‌شود. در نزد کلیمی‌ها نیز یهوه با یک باد شدید و عظیم بود که نزدیک شدن خود را به الیاس اعلام نمود و این باد صخره ها را در هم شکست.

در فرهنگ ایران باستان اعتقاد به نیروی اهریمنی برخی ایزدان چنان بود که باید به مقابله با آن‌ها برمی‌خاستند و یا آن‌ها را راضی می نمودند. این اعتقاد چنان راسخ بود که حتی بسیاری از استحکامات و موانع دفاعی ابتدا جهت مقابله با نیروهای اهریمنی و شیطانی بنا می‌شدند و باید در برابر این نیروهای شیطانی و بیماری تقدیس می‌گردیدند. باد نیز در این فرهنگ ایزدی دارای ثنویت است و اعتقاد به نیروی اهریمنی آن، در اندیشه‌های اسلامی نیز رسوخ یافته است. برخی علما، باد را کنایه از جن گرفته، آن را باد جن نامیده‌اند.

با چنین سابقه‌ای از باد در فرهنگ ایرانی، در پدیده زار نیز عامل اصلی انتقال ارواح خبیثه به بدن انسان‌ها باد می‌باشد. لازم به ذکر است که نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از فرهنگ‌ها نیز میان باد و روح همسانی وجود دارد. این همسانی چنان است که باد و روح و روان تقریباً معادل یکدیگر به کار رفته‌اند. از آن جمله می توان به کاربرد واژه‌های روح و نفخه در زبان عربی برای باد، وانگ در زبان استرالیایی و پرانا در زبان سانسکریت اشاره کرد.

ادامه دارد...

ناگفته‌هایی از روستای شَهداب بخش ارم دشتستان بوشهر

فاطمه زیرراهی: کارشناسی رشته تاریخ



نخست از هر چیز و به پیروی از همه پیشینه نگاران و پژوهشگران، باید گفت ارزشمندترین سرچشمه هر پژوهش و بویژه این نوشته، مردم ساکن منطقه و ساختارهای طبیعی آن هستند.
چون از آبادی تاریخی «شَهدا" به گویش محلی یا «شَهداب» که در درازنای تاریخ و به گونه ی محاوره‌ای به «شَهدا» شناخته شده است، آگاهی گسترده ای در دست نیست ناچار از گفته های اهالی در مورد این آبادی نیز کمک گرفته شد.
در ۵ تا ۶ کیلومتری روستای تنگ فاریاب (پاریاب) نرسیده به شهر تنگ ارم سمت راست جاده، یک راه خاکی وجود دارد که به آبادی «آقا شَهدا» یا «شَهداب» می رسد. روستایی که در آن به گواه سنگ گورهای گوناگون، رد پای گذر دوره های ناهمگون تاریخی، از واپسین دوره ساسانیان تا روزگار پیدایش اسلام در ایران دیده می شود.
در کنار گورستان بقعه‌ای تاریخی هست که مردم روستا آن را به نام «آقا شَهدا» یا «میر شَهدا» می شناسند. این بقعه با توجه به سنگ چینی و دستکاری‌هایی که جهت ترمیم انجام شده است نمایان می کند که در هر دوره تاریخی قومی در این‌جا سکونت داشته اند. آنها به دنبال باورهای خود که ریشه در فرهنگ و سنت پیشینیان دارد، این بقعه را با مصالح ساختمانی که در دسترس بوده بازسازی و نوآباد کرده اند. به نظر می رسد چون تاریخ مدونی برای شناسایی و پیدایش روستاهای کوچک و کم رفت و آمدی چون روستای «شَهداب»، در دست نیست، همچون بیشتر پیشینه نگاران و پژوهشگران مسایل تاریخی بر دیرینگی سنگ گورها تکیه داشته ایم.
در این روستا گورهای بسیار کهن وجود دارد. شوربختانه سودجویان برای جا به جایی و دستبرد به سنگ گورهای ویران شده که نوشتار کهن زیبایی بر خود داشته، به شناخت تاریخی این بقعه آسیب فراوان رسانده اند. از سویی زمین‌های پیرامون بقعه



پی در پی شخم و شیار خورده و کشاورزان روستا در آن‌جا گندم و جو کاشته اند. بنابراین گستره‌ی گورستان کهن روستا با سهل‌انگاری شهروندان روز به روز، رو به ویرانی می رود. سنگ گورهایی در این گورستان هست که نیاز به پژوهش بیشتر دارند تا دریابیم در دوره‌های گوناگون چه قومی در اینجا می زیسته اند.
در نگاره‌های سنگ گورها، نمایه‌های گوناگونی دیده می شود. بر پایه گمانه زنی شاید بازمانده از روزگار تیموریان باشند. باید به یاد داشت بخش زیبای ارم و پهنه ی باستانی آن بازمانده از روزگار ساسانی است. چرا که گستردگی آن از دامنه ی بلندی های سر به فلک کشیده گیسکان و دشت ارم بوده و می توان گفت شاید این گورستان و بقعه یادگاری از واپسین رمق روزگار ساسانیان و سال‌های نخست ورود اسلام به ایران باشد.
بی‌گمان عوامل گوناگون فراوانی موجب شکل گیری یک منطقه مسکونی می شود اما برخی از آن عوامل بیشتر از بقیه در پیدایش یک روستا و یا شهر موثر بوده است. یکی از این عوامل موقعیت جغرافیایی هر منطقه بوده که با وجود آب، زمینه‌ی کشت و کار کشاورزی و دامپروری را فراهم می‌کرد. در کنار عوامل اصلی، عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز تاثیرگذار خواهد بود. برای نمونه وجود آرامگاه امامزادگان یا یک سردار بزرگ بومی که برای همگان ارج و ارزش داشته باعث گرد آمدن گروه و دسته‌ای برای شکل گیری یک منطقه مسکونی بوده است. شاید آبادی «شَهدا» یا «شَهداب» نیز در پی رخداد چنین چیزی سر برون آورده باشد. نباید فراموش کرد که شهر «توج» یا «توز» بیش از یک دهه با یورشگران عرب درگیر بوده است که این خود می تواند سرنخ های



پیشینه‌ی این بخش از سرزمین ما را بیشتر از پیش روشن کند.
در نگاره‌ها پیداست نمای ورودی بقعه دستخوش دگرگونی شده جای لوح یا گِل نبشته ای که بر دیواره بقعه قرارداشته به چشم می خورد. شوربختانه به هر دلیل این گِل نبشته اکنون دیگر وجود ندارد. این شاید دیوار نوشته ای بوده که شناسنامه برقراری آبادی و تاریخ شالوده ساختمان این میر یا پیر را بر خود داشته است. از سازمان اوقاف و امور خیریه استان انتظار داریم چون گذشته دستان پر خیر خود را در جهت نوآباد کردن بقعه روستای شهداب دراز کند.
مردم آبادی «شَهدا» در ۸ سال جنگ تحمیلی، با دفاع جانانه از خاک کشور خود دو شهید گلگون کفن را در راه ایران عزیز تقدیم کرده است. همانگونه که در تصویر نیز دیده می شود آرامگاه دو شهید در کنار بقعه‌ی «میر شَهدا» به چشم می‌خورد.
به دنبال آن‌چه گفته شد عامل دیگر در بوجود آمدن منطقه‌ی دارای سکونت وجود جاده‌های ارتباطی می باشد. جاده یکی از مهم‌ترین راهکارها برای گسترش هر منطقه جهت ارتباط است. گسترش راه یکی از پر ارج ترین تاسیسات زیربنایی پیشرفت یک بخش می باشد. چرا که جا به جایی کالا، پیشرفت اقتصادی و همچنین زمینه گسترش فرهنگی با جاده‌های هموار سامان می پذیرد.
برای شناخت از گستره تاریخی و میراث ارم باید به یاد داشت که یکی از خوش آب و هواترین بخش استان بوشهر به شمار می رود. در فصل هایی از سال گردشگران بسیاری از شهرهای استان بوشهر و استان‌های دیگر کشور به بخش ارم می آیند. از این دیدگاه است که سازمان راه و شهرسازی وظیفه دارد به بازسازی جاده آسفالت میانه دار همت بگمارد. جاده کنونی باریکه راهی است که از سالیان پیش تنها راه ارتباطی مردم ارم به برازجان و استان فارس می‌باشد.
سازمان راه می بایست جاده ای از پل نمازگاه دالکی تا تنگ ارم را با زیر ساخت سترگ و آبرومندانه بسازد. با پشت سر گذاشتن چهل و پنجمین سال از انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال گذشته کلنگ زنی ترمیم بخشی از این راه ارتباطی با حضور معاون محترم رئیس جمهور و نماینده مجلس ظاهرا زده شده اما انتظار می رود که همه جاده‌های این بخش و از جمله آبادی «شَهدا» بازسازی شوند.
در کتاب بر «دامنه گورگاه» که می توان گفت کتابی ارزشمند از شرایط جغرافیایی، آب و هوایی، اجتماعی و فرهنگی مردم بخش بوشکان و ارم می‌باشد آمده است که طبق اسناد و مدارک تقسیمات کشوری آبادی «شَهدا» بخشی از چند آبادی است که شوربختانه تا پیش از سال ۱۳۶۵ و شکل‌گیری دهستان‌ها و روستاهای متمرکز به بخش، نامی از آن در تقسیمات کشوری نبوده است.
با وجود آثار تاریخی بسیار در استان بوشهر که خود گواه تمدن در جای جای این استان بویژه شهرستان دشتستان است و نشانه آن از روزگار باستان تا به امروز پا برجاست، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نباید بی تفاوت باشد و همه را به دست تقدیر بسپارد. بیشتر برجا مانده‌های تاریخی این بخش که در دهه ۸۰ به ثبت فهرست



آثار ملی رسیده اند به بازسازی نیاز دارند. اگر کار نگهداری و بازسازی هر چه زودتر انجام نگیرد همه برجا مانده‌ها و از جمله «بقعه پیر یا میر شَهدا در روستای شَهداب» که ریشه در باورهای تاریخی مردم دارد بیش از پیش رو به ویرانی خواهند رفت. این همان چیزی است که دگراندیشان می پندارند میراث فرهنگی به آثار باستانی کشور ارج و ارزش نمی دهند.
یادآور می شود که هدف از این گفتار شناخت بخشی از تاریخ، فرهنگ و آثار بر جا مانده باستانی فراموش شده شهرستان دشتستان استان بوشهر است که تا به امروز با این‌که صنعت گاز آن گوش آسمان را کر کرده، محروم ترین مردم را دارد.
همچنین در این نوشتار پژوهشی از کتاب دشتستان (تاریخ، سرزمین، فرهنگ) نوشته آقای زکریا رستگار نیز برای آشنایی هر چه بیشتر دوستداران میراث های فرهنگی کمک گرفته شده است. در پایان برای آگاهی بیشتر از بخش ارم که برای خیلی از هم میهنان ناشناخته مانده، می توان به کتاب «نزهت الاخبار» میرزا جعفر خورموجی و «فارسنامه ناصری» میرزا حسن فسایی نیز مراجعه کرد. واژه شَهداب به معنی انگبین است.

رییس شورای استان بوشهر مطرح کرد؛

پتروشیمی‌ها حق ورزش و جوانان استان بوشهر را نادیده نگیرند

رییس شورای اسلامی استان بوشهر گفت: حق مسلم جوانان استان است که شرکت های پتروشیمی مستقر در پارس جنوبی از حوزه ورزش حمایت های مالی کرده و آن را نادیده نگیرند.
عبدالخالق برزگرزاده در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: اقدام هلدینگ خلیج فارس در مشارکت مالکیت باشگاه استقلال در حالی که مردم این استان میزبان شایسته صنایع نفت و گاز هستند و به آنها بی توجهی می شود قابل پذیرش نیست.
وی افزود: آلایندگی و عوامل پیرامونی در صنایع جنوب استان بوشهر بر زندگی شهروندان تاثیرات مخرب زیادی بر جای گذاشته اما شاهد بی مهری صنایع پیرامونی در حق مردم هستیم که غیرمنصفانه است.
رییس شورای اسلامی استان بوشهر تصریح کرد: این در حالی است که در استان های کرمان، اصفهان و یزد صنایع در راستای مسئولیت اجتماعی خود حمایت های بسیار خوبی در تمامی رشته های ورزشی دارند.
برزگرزاده ادامه داد: در این استان صنایع پتروشیمی که درآمدهای بسیار خوبی نیز دارند به ورزش و جوانان منطقه بی مهری کرده و مدت زیادی است حتی عوارض آلایندگی خود به موقع به شهرداری های استان پرداخت نکرده اند.
وی افزود: خبر خرید سهام باشگاه استقلال توسط هلدینگ خلیج فارس باعث نارضایتی همه جوانان و ورزشکاران بوشهری شده و این اقدام تضییع آشکار حق جوانان این دیار است.
رییس شورای اسلامی استان بوشهر عنوان کرد: بوشهر زمانی ۲ تیم در لیگ برتر فوتبال ایران داشت و بازیکنانی مثل مهدی طارمی، محمد محبی و مهدی قائدی به سطح اول ایران معرفی کرده است اما امروز تیم‌های پارس جنوبی، شاهین بوشهر، شاهین بندر عامری، ایران جوان و سایر تیم های بوشهری در شرایط خوبی به سر نمی برند.
وی ادامه داد: این شایسته مردم ورزش دوست این استان نیست که به تیم های ورزشی آن اعتنایی نشود اما از تیمی از پایتخت حمایت شود.
رییس شورای اسلامی استان بوشهر گفت: از مسئولین استان و به خصوص نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی انتظار می رود مانع تضیع حق ورزش و جوانان بوشهری شوند هرچند مخالف حمایت از تیم پایتخت نیستیم اما به شرط اینکه از ورزش استان به همان اندازه حمایت شود.

اولین موزه ورزشی استان بوشهر افتتاح شد

اولین موزه ورزشی استان بوشهر به ابتکار هیات ورزش دانش‌آموزی و با حضور نایب رییس و دبیرکل فدراسیون ورزش دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح شد.
رییس هیات ورزش دانش‌آموزی استان بوشهر گفت: در این موزه، افتخارات و فعالیت‌های ورزش دانش‌آموزی استان از دهه ۶۰ تاکنون جمع‌آوری شده است.
صادق عبدالهی عنوان کرد: در این مجموعه تخصصی، تصاویر تیم‌ها و نفراتی که در مسابقات ورزش دانش‌آموزی، صاحب عناوین کشوری شده‌اند، به نمایش درآمده است.
گفتنی است، این موزه دائمی در محل هیات ورزش دانش‌آموزی در خیابان ساحلی بوشهر راه‌اندازی شده است./ ایسنا



هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

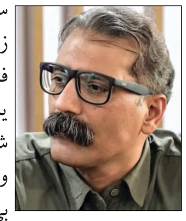
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

سعدی؛ تو کیستی...؟!

(به انگیزه روزِ نکوداشت استاد سخن؛ سعدی)

حماسه حق پرست



سعادت، سخت؛ با ایران زمین و مردمان ِ این کهن فلاتِ فخرآمیز ِ تاریخ یار بوده است تا یکی شاعری این چنین سترگ و سخنوری بدین اندازه بی‌پایان و ژرف و شگرف، در گستره‌ی تاریخ ادبیات ایران و جهان برآیَد و بشود برآیند نظم و نثر و کلام و کلمه و بیافریند بوستان و گلستانی در جای جایِ ادب ِ جهان تا جایی که به باور و نظرم، بی اغراق و به دور از هرگونه مبالغه‌ای در خیال هم بی حضور افصح المتکلمین، کسی را یارای بررسیدن تاریخ سخن و سخنوری و سرودن و گفت و گوی ها، نیست! چه، نقش و نگار این شاعر قرون، بزرگان ادب هر دوره از تاریخ را به خود واداشته است تا سِحر و سرّ بیان و زبان سعدی را چه در منثور و چه در منظوم واکاوند و واگویند یافته ها و نایافته های خود و خویش را ... .

بُنیه و بنیان قوی کرده اند شاعران و سخنوران با خوانش و خواندن چندین باره‌ی بوستان و گلستانش تا بیفزایند بر توانایی و دانایی قلم و گفتار و نوشتار خود.

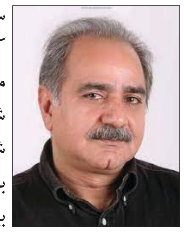
همچنین؛ پیداست نقش ِ نامَش در ساز و آواز و زخمه و نغمه ی اهل موسیقی... تا با درک و دریافت موسیقی اعجاب برانگیز و اعجاز گونه ی گفته‌ها و سروده هایش، آهنگ ِ آفرینه‌ای موسیقایی را کنند و ساخته و پرداخته سازند تصنیف و ساز و آوازی جدی و جانانه را ...

سعدی، این استاد بلابحث سخن در ناب اندیشی و آفرینش صور خیال و به کارگیری تمام و کمال تمامی عناصر سخت افزاری و نرم افزاری سرایش، بر بنای برنهاده از رودکی و فردوسی و پیشینیان ادب پارسی ِ پیش از خود، می بالد و به شکرانه‌ی آن پیشینه و دیرینه‌ی ادبی قدرتمند و استوار، به قدر وسع خویش می کوشد و می‌پوید و به هوش است تا حجت تمام کند بر ادبیات این مرز و بوم... بر آن بوده سعدی گویا، تا مگر از رهگذار ادب و کلام و کلمه و شعر و سخن، بنای انسانی ِ نابی را برنهد به پیروی از فردوسی پاکزاد که از هیچ باد و بارانی نیابد گزند و همواره این پرسش در ذهن‌ها و زمان‌ها و زبان‌ها جاری شود که:

سعدی تو کیستی...؟!

نی‌همبون؛ سازی که هیچ‌وقت در هیچ جنگی نواخته نشد

پرویز پرستویی



ساز نی‌همبون؛ سازی که همیشه برای شادی و مراسم‌های عروسی نواخته شد، سازی که صدایش هم شادی را نوید می‌دهد. هم با سوز و گدازش می‌تواند بیانگر درد هر منطقه‌ای باشد.

در مرداد سال ۱۴۰۲ که به هیروشیما سفری داشتم مثل هر سال، به مناسبت ششم آگوست، روز حمله آمریکا، که هیروشیما را با بمب‌هایش به خاک و خون کشید و ۱۴۰ هزار نفر از مردم هیروشیما کشته شدند و هر ساله حدود ۲۰ هزار نفر گروه‌های صلح طلب از اقصی نقاط دنیا گردهم می‌آیند و صلح را در محل وقوع بمباران، پاس می‌دارند. محسن شریفیان عزیز هم با ساز نی‌همبون‌اش با ما همراه بود و با نواختن استادانه سازش، همه مردمی که در آن‌جا بودند را دورهم جمع کرد و شگفت‌زده شان کرد.

آن‌جا بود که محسن عزیز گفت این ساز هیچ‌وقت برای جنگ نواخته نشد و به همین دلیل است که شنونده با جان و دل به شنیدنش می‌ایستد.



کاپیتان سال‌های دور... بدون سلاح، نترس و تنها...

(به پاس زحمات کاپیتان سیاوش روشن)

امید زاهد: روزگاری در آسمان‌ها باید دنبالش می‌گشتیم، امروز راوی یادها و خاطره ها شدند. ناگفته‌های فراوانی از تاریخ بوشهر دارد. همراه کاپیتان با سیمرغ خاطراتش همراه شدم. او از شرکت در کلاس های موسیقی و کمک برای گشایش خانه فرهنگ برایم گفت. از نشستن کنار میدان دروازه با دوستانش و از خوردن نان با حلوای کنار نانوایی در میدان ششم بهمن همه و همه در چشم بهم زدنی مرور شد. فارغ التحصیل مدرسه سعادت وقتی با دیپلم طبیعی به نیروی هوایی ایران پیوست، چندی بعد برای گذراندن دوره‌های آموزشی به آمریکا اعزام شد. پس از بازگشت موفقیت‌آمیز از دوره آموزشی به کشور بازگشت. اما بار دیگر برای دوره آموزشی به آمریکا رفت.

وقتی بازگشت در ایران انقلاب



شده بود. این بود که چرخ روزگار دگرگون شد و به خانه بازگشت. با وجود این وقتی جنگ شد او حماسه ها آفرید.

به قول کاپیتان، گروه شناسایی شعارش سه کلمه بود: بدون سلاح، نترس و تنها... .

اسکورت‌ها تا لب مرز، هواپیمایش را همراهی می‌کردند و کاپیتان می ماند بدون سلاح، نترس و تنها... .

وقتی برای شناسایی وارد مرز دیگر می شد، به جای مهمات، دوربین‌های تصویربرداری همراه داشت در حالی که قلبش برای ایران و ایرانی می تپید.

با هواپیماهای شناسایی و تا آن‌جا که توان داشت در خدمت به میهن و کشور دریغ نکرد. در زمان جنگ ایران و عراق و طی عملیات شناسایی زخمی شد و دیگر نتواست پرواز کند... .

این بود که پس از درمان و گذراندن دوران نقاهت، همچنان کوهی استوار و پایدار در آسمان و زمین ایران و بوشهر می درخشد. جانبازی سلحشور بدون آن که از عنوان جانبازی برای خودش استفاده کند و امتیازی بگیرد، بدون سلاح، نترس و تنها به استقبال دشواری‌های زندگی و روزگار رفت و سربلند و سرافراز گردید.

نام کاپیتان «سیاوش روشن» نامی به بلندای آسمان است.

امروز یاری‌گر و یاری‌رسان جوانان ایران زمین در موسسه پروازی ققنوس است و به آموزش پرواز مشغول است. مانا و پایدار باشی کاپیتان! به راستی: بلند آسمان جایگاه شماست.

علی آهوچهر؛ مدیرعامل جدید پایندان



مدیرعامل هلدینگ انرژی سینا طی حکمی علی آهوچهر را به عنوان مدیرعامل و عضو هیئت مدیره شرکت پایندان منصوب کرد.

مهندس علی آهوچهر فرزند شادروان نجف آهوچهر از فرهنگیان خوشنام بوشهری می‌باشد.

کارمند امانتدار بوشهری، طلای گمشده را به صاحبش بازگرداند



محمدرضا انصاری کارمند پاکدست و امانتدار بوشهری پس از پیدا کردن یک جفت گوشواره طلا در محل کار خود در اداره کل تجزیه و مبادلات استان بوشهر آن را به دست صاحبش رساند.

در پی این اقدام ارزشمند مدیرکل پست استان بوشهر با اعطاء لوح تقدیر از صداقت و امانت داری کارمند شایسته بوشهر تقدیر و تشکر کرد.

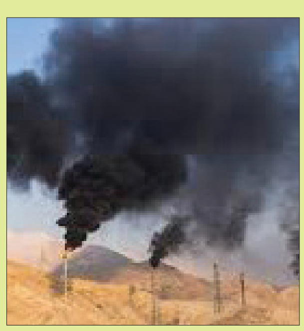
نماینده شهرستان دشتستان:

بی‌عدالتی بزرگ است که مضرات صنعت نفت و گاز نصیب مردم استان بوشهر شود ولی حمایت مالی برای دیگران باشد

نماینده شهرستان دشتستان در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از واگذاری یکی از تیم‌های مطرح فوتبال کشور به هلدینگ خلیج فارس، این کار را خلاف قانون خواند.

ابراهیم رضایی در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی با اشاره به واگذاری یکی از تیم‌های مطرح فوتبال کشور به هلدینگ خلیج فارس اظهار کرد: بخش عمده شرکت‌ها و سرمایه‌های هلدینگ خلیج فارس در استان بوشهر قرار دارد.

وی اضافه کرد: این یک بی‌عدالتی بزرگ است که آلودگی‌ها، تخریب محیط زیست، ترافیک و دیگر مضرات این صنعت نصیب مردم استان بوشهر شود ولی حمایت مالی و پول و سودش برای دیگران باشد.



این ظلم آشکار است که برخی مدارس و مراکز درمانی استان بوشهر در گرمای تابستان کولر ندارند و تیم‌های ورزشی ما از امکانات حداقلی محرومند ولی قرار است سرمایه هلدینگ خلیج فارس که متعلق به بازنشستگان است خرج یک تعداد سلبریتی پرخرج شود.

وی اقدام هلدینگ خلیج فارس در خرید باشگاه پایتخت را غیرقانونی خواند و گفت: اگر قرار است تیم‌داری کنند چرا باید با پول مستضعفان و بازنشستگان باشد؟ از رئیس جمهور و دیگران درخواست داریم جلوی این کار را بگیرند.

انتظار می‌رود مسؤولان نظارت بیشتری در چنین مواردی داشته باشند و شاهد احقاق حقوق مردم میزبان و محیط پیرامونی صنایع باشیم تا در کنار آسیب‌هایی که به محیط و زندگی آنها وارد شده است، از مواهب آن نیز بهره‌مند شوند.